

کاوه تیموری

هنرمندی از قلمستان سبزمازندران

## زندگی و آثار اسرافیل شیرچی

## اشاره

یکی از خوش‌نویسان پرکار و پیشرو در عرصه خط شکسته، استاد اسرافیل شیرچی (متولد ۱۳۴۱) است که تلاش خستگی‌ناپذیرش از فصل‌های مهم کتاب خط شکسته معاصر است. اسرافیل شیرچی خط شکسته را از غبار تا کتیبه، ملهم از آثار استاد بدالله کابلی و براساس دید هنری و تصرفات خود به نگارش در می‌آورد. شیرچی در عمومی کردن خط شکسته و تلطیف ذوق هنری جامعه با نگارش کارت تبریک‌ها، آلبوم‌های خط شکسته و کتاب‌های متفاوت پیش‌گام بوده است. وی به‌دلیل تحصیل در رشته نقاشی از مبانی هنرهای تجسمی آگاه است و با استفاده هوشمندانه از این مبانی در صفحه‌آرایی، قطعه‌نگاری و فرم‌بندی خط شکسته، به‌ویژه در تابلوهای نمایشگاهی، کارهای شاخصی را به انجام رسانده است.

آلبوم «شهریار شهر غزل» و کتاب‌های «تاب شکسته»، «مطرب عشق»، «تماشاگاه راز»، «شرح مجموعه گل»، «آواز شقایق» و «حلقه عشق» از جمله آثار شیرچی هستند. وی تاکنون نمایشگاه‌های متعددی بر پا کرده است.

تصرفات شیرچی در خط شکسته، نیازمند قضاوت اهل هنر و شکسته‌نویسان معاصر در زمان فعلی و در چشم‌انداز آتی است. با این حال، وی از خوش‌نویسان موفق معاصر ایران به‌شمار می‌رود که بسیاری از آثار مذهبی‌اش با خط شکسته، در روزنامه‌ها، پوسترها و پارچه‌نوشته‌های تبلیغاتی مورد استفاده قرار گرفته است. گویی این آثار در پرتو درون‌مایه مذهبی‌شان در لایه‌های عمیق فرهنگی جامعه نفوذ کرده‌اند.

شیرچی در چشمگیر کردن آثار شکسته، آن هم در ابعاد بزرگ، پیش‌گام است. او با اجرای خط شکسته بر بوم‌های نقاشی و استفاده از تکنیک‌های پتینه‌کاری و به‌کار گرفتن تذهیب و قاب‌های شکیل، هویت و عیار ارزشمندی را برای خط شکسته به ارمغان آورده است. او را باید از خوش‌نویسان هوشمندی بدانیم که برای پیدا کردن یک زبان جهانی و همه‌گیر، آن هم به مدد فرم و رنگ و فضا‌سازی برای خط شکسته، تلاش در خور توجهی از خود نشان داده است.

در این نوشتار مروری بر احوال و آثار، زمینه اجتماعی، دیدگاه‌های هنری و تحلیل آثار وی خواهیم داشت.

کلیدواژه‌ها: اسرافیل شیرچی، خوش‌نویسی، خط شکسته

## زمینه اجتماعی

اسرافیل شیرچی اولین فرزند خانواده‌ای است که جز او ۹ فرزند دیگر هم دارد. بنا به گفته خودش، برای رسیدن او به وادی هنر، زمینه و ذوق خانوادگی وجود نداشته است اما محیط طبیعی سرزمین و زادگاه او، هنردوستی و ذوق‌آفرینی اولیه را در وی شکوفا کرد و با دست به دست دادن عوامل و شرایط، راه سلوک او هموار شد. خودش می‌گوید: «سرزمین سبز و پرموسیقی من، سرشار بود از قلم‌های سبز و طبیعی که در گوشه و کنار روستایم می‌رویدند. در محیط زندگی من به‌دلیل طبیعت ویژه‌اش، هنر موسیقی و قالی‌بافی و رنگ موج می‌زد.» (کودکانه‌ها: ۱۶۲)

در مدرسه، جوشش‌های اولیه خط و نقاشی و طراحی وجود او را در کام خود می‌کشد؛



بود برای پریدن ... من این بال را از ملاطفت انسان‌های اطرافم گرفتم ...» (کودکانه: ۱۶۶) از اول راهنمایی، مدیر و ناظم خطم را جزو برترین‌ها می‌شناختند و کارهای خطاطی مدرسه را انجام می‌دادم.» (همان: ۱۶۸)

این نکات ارزش تعلیم و تربیت و محیط فرهنگی را نشان می‌دهند که چگونه مس وجود آدمی را به زر تبدیل می‌کند. در سایه‌سار مدرسه و معلم و کتاب و عشق، این زاده روستا به هنرمندی تبدیل می‌شود که در پنج قاره جهان با تابلوهایش مبشر و مروج خط زیبای فارسی و این زبان فاخر و جاودانی است. خودش این توفیق را بهتر از هر کس درک می‌کند: «بینید شوخی نیست که یک بچه از روستایی کوچک، یک شهر کوچک بلند شود بیاید تهران و در جمع بزرگان و هنرمندان مشهور، سری بلند کند.» (کودکانه‌ها: ۱۶۷)

### آغاز سلوک خط (۱۳۵۷)

درس‌آموزی‌های اولیه شیرچی هنگامی که در پایه سوم راهنمایی بود (سال ۱۳۵۷)، به شکل جدی در محضر مهدی فلاح خوش‌نویس نام‌آشنای بابل آغاز شد. استاد مهدی فلاح حلقه واسط استاد/میرخانی و خوش‌نویسان زبده شمال به‌شمار می‌رود. بی‌دلیل نیست که نسلی مستعد از خوش‌نویسان مازندرانی مانند شیرچی، صادق‌زاده، کوهستانی، محمدپور، و گنجی نکته‌های تعلیمی زیادی را از ایشان آموخته‌اند. خوشبختانه استاد فلاح در روزگار ما به این نقش مهم همچنان فعالانه ادامه می‌دهد و خود را به‌عنوان یکی از ارکان خوش‌نویسی معاصر در مرکز کشور تثبیت کرده است.

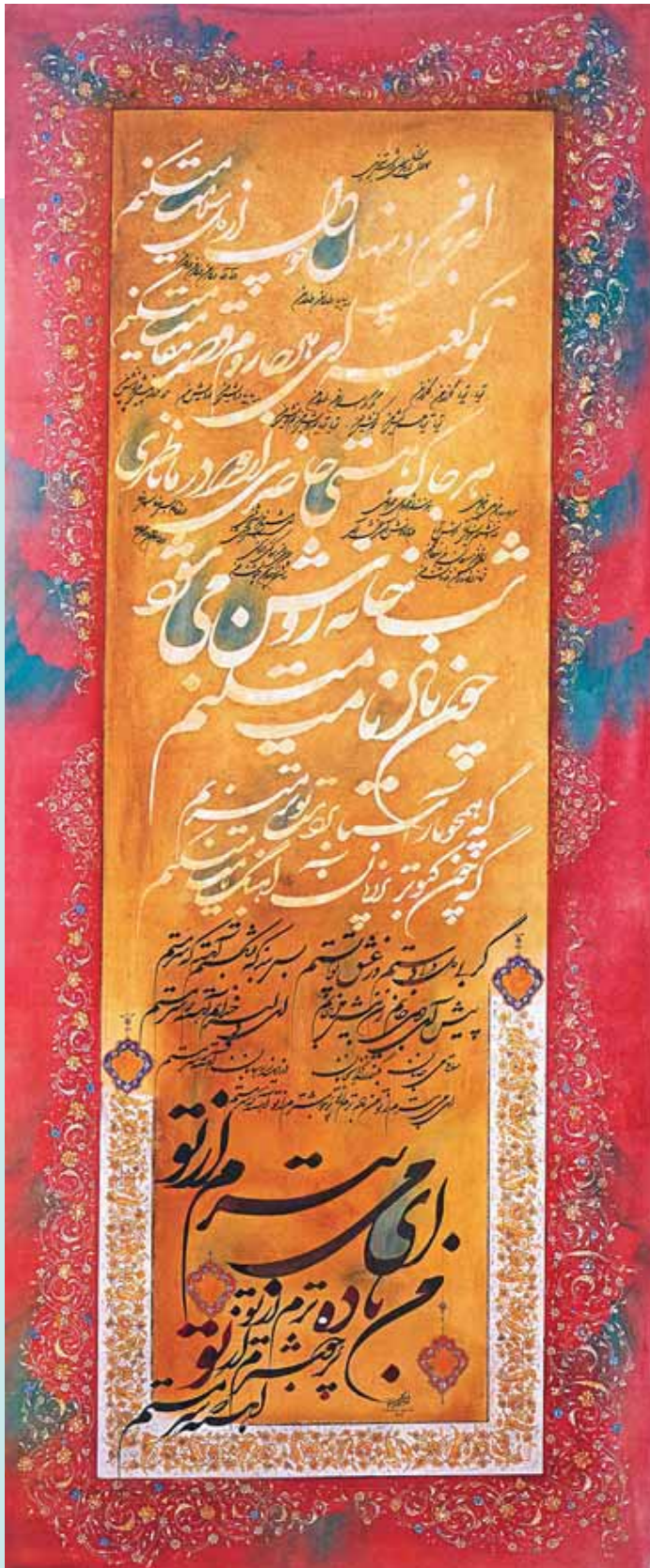
شیرچی از هنرمندان چندوجهی است. زمانی که در سال ۱۳۶۲ وارد دانشکده هنرهای زیبا می‌شود، به تحصیل در رشته نقاشی می‌پردازد. توانایی او در کاربرد مبانی هنرهای تجسمی و استفاده از خط، به تلفیق روش جذاب و مخاطب‌پسندی انجامیده است. آشنایی با رنگ، فضا، ترکیب و از همه مهم‌تر، کار روی بوم و آشنایی و مهارت در تکنیک‌های مختلف، از جمله پتینه‌کاری، سرمایه‌گران‌بهایی بود که امکان تحصیل در رشته نقاشی را برایش فراهم آورد. باید اضافه کرد که شیرچی علاوه بر نستعلیق روان و جا افتاده، در شکسته نستعلیق از سرآمدان است.

شیرچی به‌صورت خودآموز اقلام نسخ و ثلث



به‌گونه‌ای که خودش شعر تر باران و این تراوش روحی را چنین روایت می‌کند: «در کودکی فرم احساس و عاطفه‌ام را به‌صورت خط‌خطی روی کاغذ می‌کشیدم که یک‌دفعه دیدم این خط‌خطی شکل گرفته است.» (کودکانه‌ها: ۱۶۴)

شیرچی از محیط مدرسه و توجه و مهربانی معلمان دوره ابتدایی و راهنمایی خود به نیکی یاد می‌کند. از معلم بابلی‌اش که او را برای تشویق به شهر برد و برایش ابزار و دوات و قلم هدیه خرید تا مدیر و ناظم که به ابراز وجود او در مدرسه با مهربانی پاسخ دادند: «فکر می‌کنم توجه مدیران و معلم‌ها شیرین‌ترین خاطره من است. آن نگاه ملاطفتی که به هنر داشتند، به کسی که شاید در آینده هنرمند شود، برای من خیلی مهم بود. شاید بال من



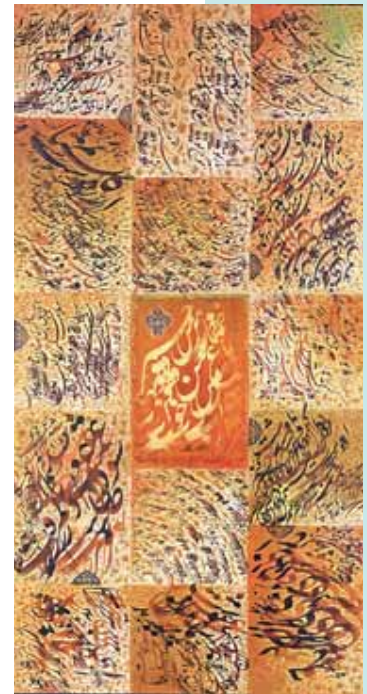
و حتی کوفی را کار کرد؛ زیرا بر این باور است که «برای چیره‌دستی و تجربه و پختگی باید ثلث، نسخ و کوفی را هم آزمود و بدان‌ها بها داد.» (فصلنامه هنر: ۲۰۴)

این ویژگی وی در ساختن تابلوهای «مرغ بسم الله» تجلی دارد. او در کنار پیش‌گامان معاصر، مانند رضا مافی (۱۳۶۱-۱۳۲۲) و استاد جلیل رسولی، بیشترین تلاش را در این زمینه انجام داده است.

بررسی کارنامه هنری شیرچی نشان می‌دهد که در حوزه خط و خوش‌نویسی و کارکرد هنری آن، دارای نگاه و چارچوب نظری است. وی در بازنمایی موضوع و تحلیلی بر ارزش‌ها و رسالت هنر خوش‌نویسی و وظیفه اجتماعی آن معتقد است: «شاید بتوان بزرگ‌ترین رسالت خوش‌نویسی را معرفی ادبیات و ذوق ایرانی دانست. شعر می‌تواند از نو با خط خوش خلق شود. در نمایشگاهی که در نیویورک داشتم، شخصی اثری از من خریداری کرد که به گفته خودش، چیزی از مضمون نوشته شده در تابلو درک نمی‌کرد. او گفت: نمی‌فهمم چه نوشته‌ای ولی این فضا و تصویر چنان در من انرژی ایجاد می‌کند که دلم می‌خواهد بلند شوم و کار کنم! مضمون تابلو شعری از حکیم عمر خیام نیشابوری بود: برخیز و مخور غم جهان گذران. معتقدم در خوش‌نویسی باید به زبان جدیدی دست یافت؛ زبانی جهانی که نیازی به تفسیر و ترجمه نداشته باشد. این بیان نو می‌تواند روح هنر شرقی و عرفانی ادیبان و هنرمندان، را به تمام اقوام و ملل مختلف معرفی و منتقل کند.» (ابرار هنری، صفحه آیین هنر، ۱۳۸۵/۵/۱۲: ۸)

### نکات فنی

جامعه امروز، شیرچی خوش‌نویس معاصر را، خوش‌نویسی شکسته‌نویس می‌شناسد؛ خوش‌نویسی که خط غالب آثارش خط زیبای شکسته است. خط شکسته خطی است پُرانرژی که خوش‌نویس هنگام نوشتن، نوعی انرژی درونی و خودجوش را در اثر دیدن و نگارش آن در قلم خویش تجلی می‌دهد. حاصل این انرژی و نگارش رهایی و رها شدن قلم است. بی‌دلیل نیست که دود چراغ خورده‌های این خط در سایه سال‌ها ممارست به آنجا رسیده‌اند که واژه شکسته را با واژه «رهایی» منطبق یافته‌اند. اسرافیل، با پس‌زمینه دانش نقاشی، خط



را طراحی می‌کند و از فرم و فضای آن در شکل‌بندی تابلوها بهره‌ی لازم را می‌برد. خودش می‌گوید: «اساساً به نقاشی خط علاقه‌مندم و شاید این فرم شکسته‌نویسی من در کلیتش ترکیب و فضاسازی باشد.» (فصلنامه هنر: ۲۰۵)

شیرچی با اینکه از عنصر رنگ، ترکیب و فضاسازی در آثارش بهره می‌گیرد، کار خود را فقط خوش‌نویسی معرفی می‌کند. البته معتقد است که این کار را با ابزار و مواد معاصر انجام داده است: «کاری که من کردم این بود که بافت، نقطه و خط را از سطح و مرز محدود A۴ روی بوم ۵ تا ۶ متری آوردم. حرکت و کنترل قلم در میدان بزرگ به مراتب مشکل‌تر از صفحات کاغذ است. توجه به قواعد و نکات خوش‌نویسی در اجرای اثر ضروری است ولی نباید مانع از بروز خلاقیت ذهن هنرمند شود. به نظر من دو واژه خوش‌نویسی و نقاشی خط می‌توانند تنها از لحاظ لفظی با هم متفاوت باشند. در نقطه‌ای که قواعد و چارچوب‌ها با دانش و بصیرت کافی شکسته شوند، اثر هنری خلق می‌شود. حال این اثر را خوش‌نویسی یا خط نقاشی بنامیم.» (روزنامه ابرار: ۸)

### خط شکسته نستعلیق

برای درک آثار و تحلیل هنرمند شکسته‌نویس لازم است مقدمه‌ای هرچند کوتاه درباره این خط گفته شود. در نگاه اول می‌توان فهمید که مفردات خط شکسته سرشار از نشاط و خلاقیت است. چرا که میزان اختیارات و آزادی‌های شکسته‌نویس در ایجاد ترکیبات تازه و بدیع بالاست. او در بند خواندن متن توسط خواننده نیست. شکسته‌نویسان معتقدند که خط شکسته نستعلیق به دلیل ویژگی ذاتی، در زمان کوتاهی و با ظهور نابغه این خط، یعنی درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵-۱۱۵۰)، «از فرم مکتوب‌نویسی به فضای هنری رسید.» (شیرچی، ۱۳۷۸)

سرعت در نگارش و سهولت برای تحریر، همواره دو علت اساسی بوده که در فلسفه پیدایش خط شکسته به آن اشاره شده است. این عوامل موجب شده‌اند که در اجزای کلمات اتصال و پیوستگی ایجاد شود و به تدریج با استفاده از این ویژگی‌ها و تصرفاتی که در خط نستعلیق صورت می‌پذیرد، خطی شکل‌گیرد که در آن صفات زیر وجود دارد:

● هماهنگی و گرمی حروف و کلمات و

مجاورت و پیوستگی با هم؛  
● آزادی دست و قلم خوش‌نویس؛  
● میزان دور بالا و کمی سطح؛  
دور در خط شکسته به میزان نزدیک به شش‌دانگ (۵/۷۵) غلبه دارد.  
در شکسته‌نویسی اجزای خط در هم گره می‌خورند و «تصویری رازآمیز و خیال‌انگیز» به وجود می‌آورند.  
حال با این مقدمه کوتاه می‌توان به بررسی بیشتر آثار استاد شیرچی پرداخت.

### تحلیل آثار

اسرافیل شیرچی در ۳۰ سال (۱۳۹۳-۱۳۶۴) گذشته شعرهای زیادی نگاشته اما یک شعر را علاوه بر آنکه نوشته، در جانش نیز سرشته است و آن همان شعر **نیماست**؛ آنجا که گفته است: «من بر آن عاشقم که رونده است»

از همان سال‌های آغازین دهه ۶۰ این روندگی و کوشندگی در شیرچی لحظه‌ای به تأخیر نیفتاده است. برپایی نمایشگاه‌های پی‌درپی (شش ماهه و سالیانه) و متعدد در داخل و خارج کشور، از روح بی‌قرار و قلم پرکار شیرچی در خط رقصان شکسته حکایت دارد. شیرچی هنرمندی است که قالب‌های گوناگون خط را تجربه کرده است. در نستعلیق به سیاه‌مشق‌نویسی به‌عنوان ناب‌ترین وجه هنری آن توجه دارد. او در مورد سیاه‌مشق‌هایش گفته است: «سیاه‌مشق‌هایم، مونس ایام بی‌قراری‌ام هستند. گوشه‌ای آرام می‌گیرم و شروع به نوشتن می‌کنم. حروف روی هم می‌آیند. با بی‌نظمی‌ای که حاصل نظم خاص است، روی هم سوار می‌شوند. حروف آرام می‌غلتنند. بعضی‌هایشان پشت یکدیگر برای همیشه می‌مانند و از چشم مخفی می‌شوند ولی حسشان همیشه در فضای صفحه جاری است. در این رقص مستانه، من و قلم‌نی تنها نظاره‌گیریم. قلم راوی می‌شود تا حکایت درونم را نقل کنم.» (کودکانه‌ها: ۱۶۲)

در آثار اسرافیل شیرچی ترکیب‌بندی و فضاسازی به مدد چرخش‌ها و گردش‌های خط شکسته حضوری بسیار قوی دارد. او از رها کردن و ارسال دوایر در خط شکسته، بستر تازه‌ای برای جا دادن حروف بعد و اجزای کلمات بعدی فراهم می‌آورد و با به وجود آوردن خلوت و جلوت، تعادل و توازن بصری را در سطر و صفحه شکل می‌دهد. در تابلوهای رنگی شیرچی، شکل مربع آن هم در

**او شعر نو را بیش از  
پیش با خط شکسته  
نگاشته و سازگاری  
درونی این قالب شعری  
با خط شکسته برای او  
دریچه‌های تازه‌ای را  
فراهم کرده است**

بینندگان در فضای داخلی و بین‌المللی است. از آنجا که خیام پرآوازه‌ترین نمایندهٔ ادب فارسی در سطح بین‌المللی است، او تکرارهای بالایی از رباعیات خیام را در ابعاد بزرگ ارائه کرده است و این کار را مانند یک مشق همیشگی ادامه می‌دهد. (نمایشگاه اسفند ۱۳۸۷، فرهنگ‌سرای نیاوران)

این نوع نگاه شیرچی در مقابل آن دسته از شکسته‌نویسانی قرار می‌گیرد که برای خط شکسته کارکرد عمومی قائل نیستند و فقط بر کاربری حضوری و موزه‌ای آن بین‌خواص تأکید دارند. در نظر اینان، خط شکسته فقط بازگشتی تاریخی به گذشته است. به نظر می‌رسد در این نگاه با نوعی محدودانگاری برای خط شکسته مواجهیم.

شیرچی با استفاده از آهنگ و موسیقی بصری

قالب هندسی آن ایفای نقش می‌کند. اضلاع مربع‌های شیرچی خطوطی بی‌قرارند که در نهایت مربعی را در فرم انتهایی به وجود می‌آورند که هر خط آن از حرکت خط شکسته با فراز و فرودی آرام تشکیل شده است و آمیزه‌ای از رنگ‌های سبز و سفید در محیط آن به حرکت در می‌آید. در فضای درونی مربع نیز سطرهای خط شکسته با تذهیب همراه می‌شوند. بی‌گمان شیرچی در خلق این آثار بیشترین تأثیر را از آثار نقاش شهر خود، یعنی استاد احمد نصراللهی گرفته و آن الهام اولیه را با مصالح حروف و کلمات خط شکسته در تابلوهای خود پردازش کرده است.

صفت ویژهٔ شیرچی در فعالیت هنری، داشتن جرئت و جسارت است.

او در شیوهٔ خط شکسته نیز در گروه شاگردان استاد بیدالله کابلی قرار می‌گیرد اما وارد کردن رنگ، فضاسازی‌های جدید و بدیع، ترکیب‌بندی تازه، بهره‌گیری از قلم‌های بزرگ، برپایی نمایشگاه‌های پرشمار، چاپ کتاب و ابداع کارت‌های تبریک نوروزی، و خلق آثار نقاشی و به‌ویژه مذهبی، از او چهره‌ای پیشرو و فعال معرفی کرده که هیچ‌گاه توقف را بر حرکت ترجیح نداده است. شیرچی در به خدمت گرفتن تکنیک چاپ برای عمومی کردن خط شکسته و آوردن آن به صحنهٔ جامعه و محیط زندگی مردم، از پیش‌گامان اصلی بوده و از این رهگذر به فرایند اجتماعی شدن خط شکسته و رسوخ آن در میان مردم کوچه و بازار و ذائقهٔ هنری آن‌ها کمک شایانی کرده است.

به‌لحاظ فنی نیز شیرچی چه خوب و چه بد، با رسیدن و برخورد به هر کلمه و هر جزء از سطر یا شعر، با پویایی و چابکی از آن عبور می‌کند. زمانی یک مصرع از شعری را در فضایی فشرده جای می‌دهد و زمانی دیگر سطر او به سوی بالا سیر صعودی می‌کند و بیننده کرسی‌ای مضاعف را نظاره می‌کند. در این میان، او شعر نو را بیش از پیش با خط شکسته نگاشته و سازگاری درونی این قالب شعری با خط شکسته برای او دریچه‌های تازه‌ای را فراهم کرده است. مضمون‌یابی شیرچی نیز در گیرایی آثار و حتی فروش قابل توجه تابلوهای او نقش مستقیم داشته است. در واقع، این بُعد از تیزبینی شیرچی نوعی تعامل هنرمند با محیط بیرونی است که ناشی از شناخت ذائقه‌ها و علاقه‌های هنری

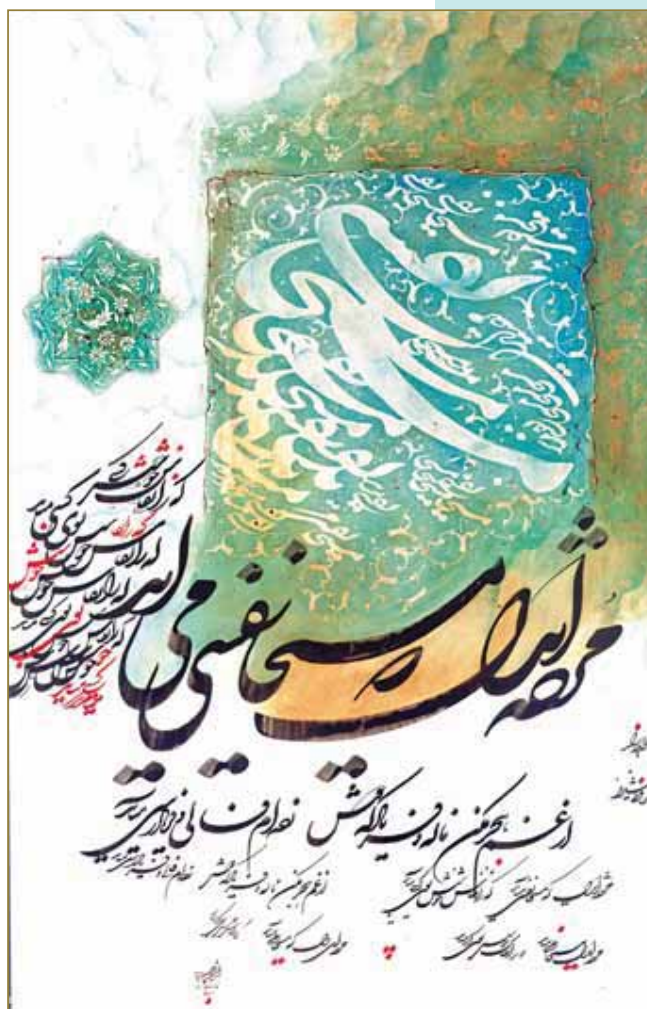


تجربه‌اندوزی و رسیدن به زبان خاص ره سپرده است و امروزه آثار او به‌لحاظ فرم و اندام حروف کلمات و پردازش قطعه و صفحه یا بوم، بدون امضا قابل شناسایی هستند. حتی می‌توان اذعان کرد که برخی از خوش‌نویسان جوان‌تر برای اینکه از شدت و ویژگی پذیرش عام تابلوهای شیرچی بهره‌گیرند، سعی می‌کنند عیناً مانند او کار کنند. او در مورد دوره‌های کاری خود موضوع را امری طبیعی می‌داند و فقط با مثالی آن را پاسخ می‌دهد. «هنرمند دوره‌های خاص خودش را دارد. به‌طور زنده اگر بخواهم مثال بزنم، نمونه‌اش سیدمحمد /حصایی است. می‌بینیم که ایشان با عشق با حروف و کلمات و نستعلیق ناب با خط‌های عربی، ثلث و نسخ در زندگی هنری‌اش برخورد کرده است. این‌ها رودخانه‌هایی بوده‌اند که به سرزمینش می‌آمده‌اند و او هم استقبال می‌کرده است.» (همشهری، ۱۳۹۰/۳/۹)

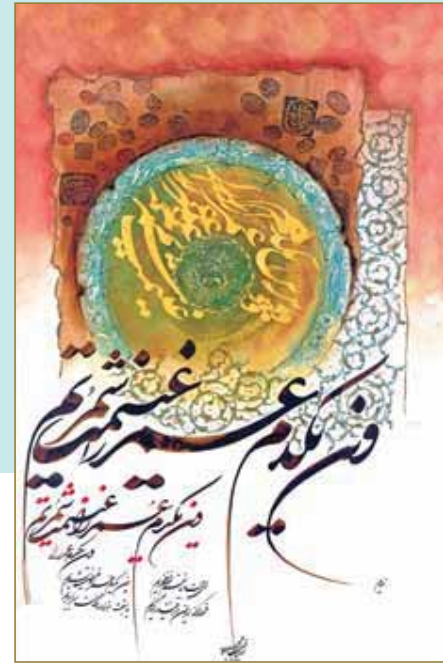
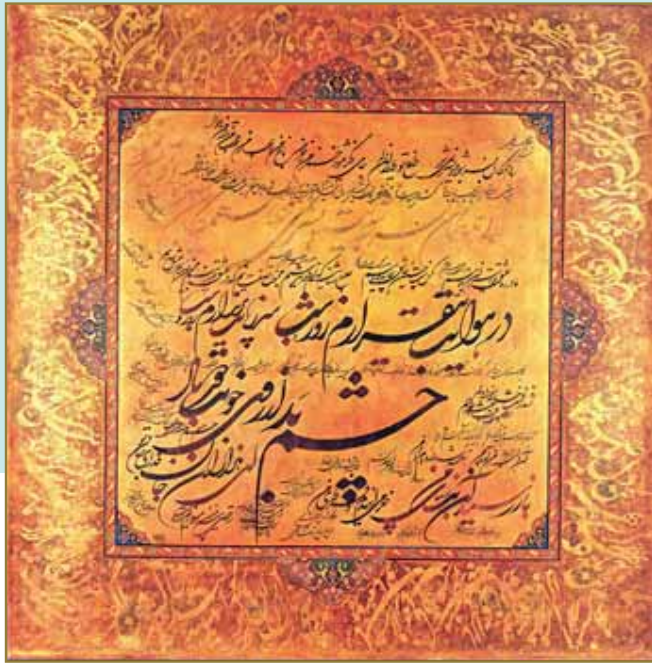
جدول ۱. مختصات فنی

کانون قلم	کتابت تا کتیبه
تسلط خوش‌نویسی	دوگانه‌نویس (نستعلیق و شکسته نستعلیق)
قالب مورد علاقه	قطعه‌نگاری در فرم‌های متنوع
کارویژه‌ها	اهتمام در عمومی کردن خط شکسته و تأکید بر وجه کاربردی برای نمایشگاه‌های مکرر (داخلی و خارجی) و پرکاری
ویژگی قلم‌ها	زبانۀ محرف و میدان کوتاه

شیرچی با حجم کار زیاد، چه ارائه‌ی نمایشگاه و چه چاپ قطعات و کارت پستال‌ها، یکی از ظرفیت‌های خوش‌نویسی معاصر در خط شکسته است. کار ویژه‌ی شیرچی در زمینه‌ی پیوند شعر نو با خوش‌نویسی، کار مهمی بوده است؛ زیرا او آگاه است که شعر نو در نگاه نسل جوان اهمیت بالایی دارد. به همین دلیل، در آثارش نگارش شعر دارای جایگاه ویژه بوده و وی در ترویج آن، هم نسل جوان و هم خوش‌نویسان را با هم مدنظر داشته است؛ به‌طوری که می‌گوید: «نسل جوان ما با شعر نو پیوندی نزدیک دارد. با آثار شاعران نوپرداز که تأثیر زیادی بر شعر معاصر گذاشته‌اند، کار کرده‌ام. همچنین، خواسته‌ام یک ارتباط قلمی



خط شکسته، تلاش کرده است این خط را به یک زبان جهانی تبدیل کند. او بدون تردید از معدود هنرمندان خط‌نویسی است که توانسته در پنج قاره‌ی جهان به نمایش آثارش بپردازد. تابلوهای شیرچی در خیلی از موارد به‌دلیل اتصالات پیچیده و درهم‌تنیده خوانا و رسا نیستند اما او این خلأ را با نوشتن یک مصرع آشنا، مثل «چو ایران نباشد تن من مباد»، یا عبارت «یا علی بن ابی‌طالب» و «یا حسین بن علی» پر می‌کند. به همین‌سان، با ارائه‌ی فرم‌ها، تضادها، خلوت و جلوت رنگ‌آمیزی و تذهیب و حاشیه‌پردازی، و از همه مهم‌تر، بهره‌گیری از قاب‌های شکیل و زیبا و دست به دست هم دادن این گزاره‌های هنری، یک کلیت زیبا و گیرا را شکل می‌دهد که بیننده‌ی عادی را نیز جذب می‌کند و برای لحظاتی هم که شده، او را به تأمل و دقت در تابلو وادار می‌سازد. دوره‌های کاری شیرچی از مراحل سلوک



**شیرچی از هنرمندان  
خوش‌نویسی است که نقد  
را با بُردباری می‌پذیرد. او  
معتقد است که با نقد و  
بررسی آثار نسل معاصر  
می‌توان خوش‌نویسی را  
متعالی کرد و قدم‌ها را  
فرا تر گذاشت**

بتوانند به مخاطبان خود - که همان مردم هستند - نزدیک شوند و ارتباط برقرار کنند. این ارتباط با مردم نمرهٔ خیلی خاصی است؛ هم هنرش را از نظر روح و روان و ارتفاعی که باید بگیرد بیمه می‌کند، هم اینکه هنرمند در گوشهٔ عزلت نمی‌ماند. هر هنرمندی که از مردمش فاصله بگیرد، از خودش و هنرش هم خیلی فاصله گرفته است.» (همشهری، ۱۳۹۰/۲/۹)

#### **توجه به نقد**

شیرچی از هنرمندان خوش‌نویسی است که نقد را با بُردباری می‌پذیرد. او معتقد است که با نقد و بررسی آثار نسل معاصر می‌توان خوش‌نویسی را متعالی کرد و قدم‌ها را فرا تر گذاشت.

او به وضع خوش‌نویسی در دورهٔ فعلی نقد دارد و عادت‌زدگی را نقصان این دوره برمی‌شمارد: «شناخت و تربیت بصری در خلق اثر بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه بسیاری از هنرمندان عرصهٔ خوش‌نویسی به **عادت** دچار شده‌اند. چشم مخاطب نباید شاهد آثار سیاه و سفیدی باشد که عاری از روح هنری هستند. خوش‌نویس می‌تواند با اعتلای دانش و دید خود تنها با دو رنگ سیاه و سفید به رقصی پریهاهو در صفحه دست یابد. این به ذهنیت و سلیقهٔ هنرمند باز می‌گردد که از

بین این اشعار با هنرجو و علاقه‌مند به عرصهٔ خط برقرار کنم تا شعر نو گوشه‌ای از فضای ذهنش را تحت تأثیر قرار دهد. به‌نظرم نیاز نسل جوان ما به شعر نو زیاد است. هنرمند معاصر در هر رشته مجبور است، به این نکات توجه داشته باشد تا از این نسل دور نشود.» (همشهری، ۶/مهر/۱۳۷۹: ۱۰)

#### **مسئولیت هنرمند خوش‌نویس**

شیرچی در کنار کار عملی، بینش نظری خود را نیز با مطالعه توسعه می‌دهد. سفرهای مکرر او و هم‌نشینی او با بزرگان ذوق و هنر، تجربیات ارزنده‌ای برای وی به ارمغان آورده است. بنابراین، او در نشان دادن تصویری از مؤلفه‌ها و مسئولیت‌های هنرمند می‌گوید: «هنرمندان باید مطالعه کنند و روی هنرهای ظریف ایرانی، مثل صفحه‌آرایی، رنگ‌سازی، کاغذ، مرکب‌سازی و حتی قلمی که با آن می‌نویسند، بررسی داشته باشند. نکتهٔ دیگر اینکه در سنت خوش‌نویسی، احترام به استادان امری واجب و ضروری است.» (فصلنامهٔ هنر: ۲۰۴)

علاوه‌بر این، در بحث تولید اثر هنری بر وجه مردمی بودن هنر تأکید ویژه‌ای دارد؛ وجهی که خود او برای رسیدن به آن همواره تلاش زیادی کرده است: «مسئولیت اساسی هنرمندان این است که با خلق آثاری پرمحتوا،



همان مرکب سیاه نیز فضایی را به وجود آورد که در مخاطب دنیایی مملو از رنگ را تداعی کنند.» (روزنامه ابرار، ۱۳۸۵/۵/۱۲)

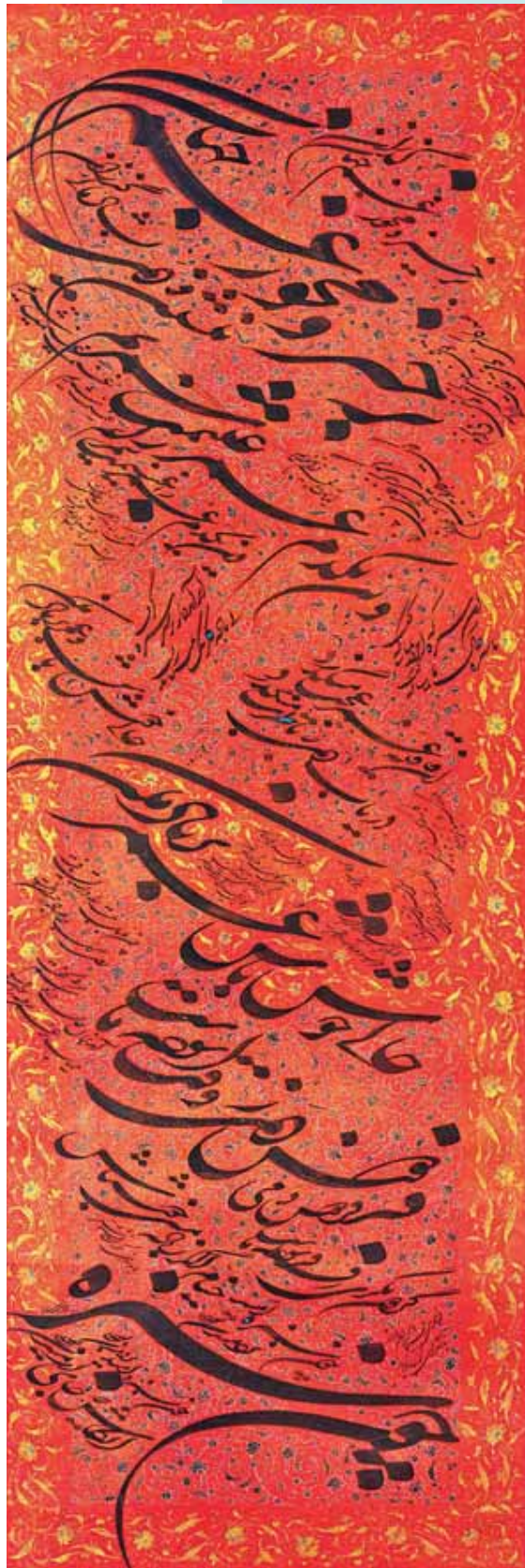
شیرچی در عین حال که به انتقاد از جامعه خوش‌نویسی با هدف بهبود و ارتقا فکر می‌کند، به کسانی که خوش‌نویسی را هنری می‌دانند که بر پایه تکرار می‌چرخند، پاسخی روشن می‌دهد: «هنر در هر دوره‌ای ممکن است یک ایست موقت داشته باشد، ولی آن‌طور که برخی افراطی نظر می‌دهند که خوش‌نویسی صرفاً یک تکرار است، نمی‌باشد. هم‌اکنون شاید در خلوت‌های هنرمندان، بهترین آفرینش‌ها باشد. قضاوت ما نباید بر مبنای چند اثر نمایشگاهی باشد که کارهای تکراری ارائه می‌دهند. من از اینکه بعضی‌ها نسبت به هنر خوش‌نویسی منصف نیستند، غمگین می‌شوم ولی این نیست که کاری هم نکنم. من با کار بیشتر، هنر خوش‌نویسی و هنر استادانم را معرفی می‌کنم.» (روزنامه همشهری، ۱۳۹۰/۳/۹)

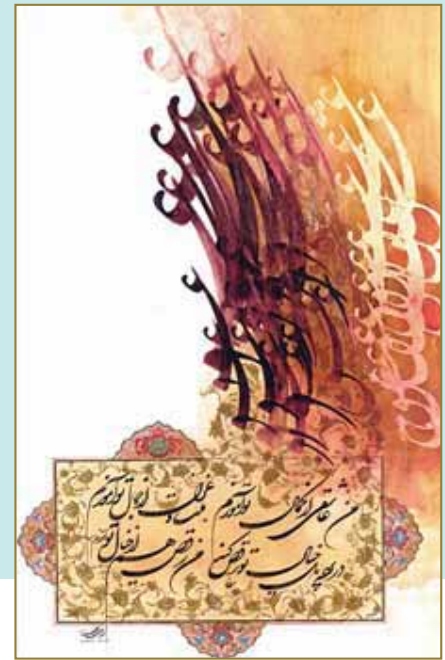
وی راه غلبه بر کارهای تکراری و مشابه در خوش‌نویسی را به‌دادن به اندیشه و ایجاد تنوع در هنر خط می‌داند و این نکته را یادآور می‌شود.

### دیدگاه‌های هنری

علاقه‌مندی شیرچی به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق کم‌نظیر است. او دل‌باخته و دل‌سپرده این نظام‌های هنری است: «خط ایرانی سرشار از فضا، حضور و سماع است. موج زدن و تکرار رنگ‌ها خلایقیت به‌شمار نمی‌رود. همچون رضا مافی و فرامرز پیل‌آرام با شناخت و تکیه بر خط نستعلیق و شکسته، آثاری از خود به یادگار گذارده‌اند که برای همیشه ماندگار خواهند بود. حال این آثار را خوش‌نویسی و یا خط نقاشی اطلاق کنیم [یا نکنیم]. هیچ چیز از ارزش هنری آن‌ها کم و زیاد نخواهد شد.» (روزنامه ابرار، ۸۵/۵/۱۲)

وی با وجود اینکه رهایی در خط را با خط شکسته نستعلیق و بخش ناب هنری آن، یعنی سیاه‌مشق آزادانه را در نستعلیق تجربه کرده است، از قواعد سفت و سخت این خط به‌خوبی آگاه است و مقایسه‌ای که می‌کند در فهم موضوع راه‌گشاست. او می‌گوید: «خط نستعلیق مثل مجسمه‌های میکل‌آنژ و تابلوهای *رافائل* استاندارد است و در فضایی این خط خلق شده که هزار سال





سه‌جانبه مسئولان، مردم و هنرمند به اعتلای سلیقه هنری جامعه منجر خواهد شد.» (روزنامه ابرار، ۱۲/۵/۸۵: ۸)

با این حال، از نظر شیرچی آسیب‌شناسی خوش‌نویسی همان ترجیح‌بندی است که در گفته‌های او و دیگران بارها شنیده‌ایم اما هیچ‌گاه تدبیر و راه‌حل مشخصی برای آن ارائه نشده است: «ضعف خوش‌نویسی معاصر در معرفی صحیح آن به جهان است.» (فصلنامه هنر: ۲۰)

برای او آرزوی موفقیت داریم.

### منابع

۱. فصلنامه هنر، معرفی اسرافیل شیرچی، شماره ۱۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. روزنامه همشهری، گفت‌وگو با اسرافیل شیرچی، صفحه هنرهای تجسمی، شماره ۶، ۲۲۲۹، ۱۳۷۹/۷/۶.
۳. آیین هنر، گفت‌وگو با اسرافیل شیرچی، روزنامه ابرار، شماره ۵۰۹۹، ۱۲/۵/۱۳۸۵.
۴. طاهری، حمیده، کودکانه‌ها، از کودکان دیروز تا بزرگان امروز، (بخش اسرافیل شیرچی)، نشر سروش، تهران، ۱۳۸۷.
۵. افشار، احمد، گفت‌وگو با اسرافیل شیرچی، روزنامه همشهری، شماره ۱۷، ۱۳۹۰/۳/۹.
۶. نشریه مکعب، گفت‌وگو با اسرافیل شیرچی، شماره ۱۴، ۱۳۹۰/۵/۱۶.
۷. شیرچی، اسرافیل، تعلیم خط شکسته نستعلیق، هنر سرای گویا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

عمر گرفته است» (روزنامه همشهری: ۲۶) و تأکید می‌کند که افرادی باید در این راه گام نهند که بتوانند یادگیری مبانی و انجام یک کار کلاسیک (مانند خط نستعلیق) را در دنیای مدرن بر عهده بگیرند. (روزنامه همشهری، ۱۳۹۰/۳/۹)

شیرچی به وجه مردم‌پسند بودن اثر هنری توجه دارد و بر این باور است که اثر هنری باید در متن زندگی مردم حضور داشته باشد. این نکته از منظر اجتماعی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا هنری اثرگذار است که لایه‌های مختلف اجتماعی نسبت به آن حساسیت داشته باشند. شیرچی می‌گوید: «می‌کوشم تا احساسم را در تابلو نشان دهم.» (فصلنامه هنر: ۲۰۴)

با این حال، نقدی نیز به عادی شدن خوش‌نویسی بین مردم دارد؛ آنجا که گفته است: «در گذشته مردم با هنرمندان ارتباط نزدیک داشتند. به آن‌ها سفارش می‌دادند و از آن‌ها حمایت می‌کردند. مردم، متأسفانه هنرمندان را رها کرده‌اند. در محیطی که هنرمند تنهاست و زندگی‌اش با ریاضت همراه است، زایش بی‌معناست. این حقیقت وجود دارد که ذات ایرانی با دیدن جمله‌ای از حافظ یا مولانا می‌تواند بیشتر به آرامش نزدیک شود تا دیدن یک گوبلن یا طرحی فانتزی! باید تلاش کرد تا هنری از جنس خود را در پیش چشمانشان به نمایش گذاشت. همکاری